بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صل الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

امام (ره) کجا؛ ما کجا !

حضرت امام در مقدمه یکی از کتاب هایشان چند فراز دعای مهم دارند.ایشان که احیا کننده ی همه ی ماست، با آن عظمت و مقام علمی در فلسفه ، عرفان، تفسیر، اصول و فقه این تعابیر عجیب را به کار می برند:

«خداوندا، ما را به صراط مستقيم انسانيّت هدايت فرما و از جهل خودپسندى و ضلالت خودبينى مبرّا كن و به محفل انس اربابِ عروج روحانى و مقامِ قدسِ اصحاب قلوب عرفانى بار ده و حجابهاى انانيّت ظلمانى و انّيّت نورانى را از چشم بصيرت ما برافكن، تا به معراج حقيقى نمازِ اهل نياز واصل گرديم‏ و به جهات اربعِ مُلك و ملكوت چار تكبير زنيم؛ و فتح باب اسرار غيبيّه بر ما فرما و كشف استار احديّت بر ضماير ما نما، تا به مناجات اهل ولايت نايل شويم و به حلاوت ذكر ارباب هدايت فائز آييم و تعلقات قلبيه ما را از غيرْ صرف و به خود مصروف دار و چشم ما را از اغيار كه شياطينِ راه سلوكند بپوش و به جمال جميل خود روشنى‏بخش. انّكَ وَلِىُّ الْهِدايَةِ وَ التَّوْفيق.و بعد، اين سرگشته وادى حيرت و جهالت و بسته به تعلّقات إنّيّت و أنانيّت و سرگرم باده خودى و خودپرستى و بى‏خبر از مقامات معنويّه و ملك‏هستى، ارادت خالص كردم كه برخى از مقامات روحيّه اولياى عظام را در اين سلوك روحانى و معراج ايمانىِ عرفانى به رشته تحرير درآورم. و من خود گرچه از همه مدارج و معارج به لفظ و تركيبات آن قناعت كردم و به حليه هيچ‏يك از مقامات خُلقيّه و روحيّه اهل قلوب زينت نيافتم، ولى به مقتضاى آنكه‏ «احب الصالحین و لست منهم»از ذكر محبوب اين اوراق را مزيّن مى‏كنم،»(سرالصلاة/ص2)

حضرت امام با آن مقامات علمی ومعنوی می گوید: بنده از همه ی مقامات معنوی فقط الفاظ و کلماتش را بلدم و اهل عمل نیستم وبه جایی نرسیده ام.با این تعبیرات وضع امثال ما معلوم خواهد بود.مساله استفاده از عمر و اخلاق مداری در زندگی نه در حد لفظ و کلمه و سخنرانی و عبارت خوانی،مساله ی اصلی ماست.انسان وقتی مضامین بلند دعای کمیل را می بیند گمان می کند که این تعابیر تعارف است.اما وقتی با شاگردان امیرالمومنین آشنا می شود می بیند که این افراد هر چه از لحاظ معنوی بالا می روند، بیشتر احساس نیاز و فقر و نداری می کنند.اما امثال ما در نقطه مقابل آن قرار داریم.قدری که در این مسیر رشد می کنیم یا معلومات ما بالا می رود، فکر می کنیم همه مسائل ما حل شده است.

حضرت امام پس از طی مراحل و مدارج عالی، می گوید من فقیرم.در همین کتاب حضرت امام وقتی به مرحوم آقا سید احمد وصیت می کند : «عزیزم از جوانی به اندازه ای که باقیست استفاده کن که در پیری همه چیز از دست می رود حتی توجه به آخرت و خدای متعال»امثال ما که حدود 20 سالی طلبه هستیم متوجه این بیان امام راحل می شویم.«از مكايد بزرگ شيطان و نفس اماره آن است كه جوانان را وعده صلاح و اصلاح در زمان پيرى مى‏دهد تا جوانى با غفلت از دست برود؛ و به پيران وعده طول عمر مى‏دهد. و تا لحظه آخر با وعده‏هاى پوچ انسان را از ذكر خدا و اخلاص براى او بازمى‏دارد تا مرگ برسد؛ و در آن حال ايمان را اگر تا آن وقت نگرفته باشد، مى‏گيرد. پس در جوانى كه قدرت بيشتر دارى به مجاهدت برخيز، و از غير دوست جلّ و علا بگريز، و پيوند خود را هر چه بيشتر- اگر پيوندى دارى- محكمتر كن؛ و اگر خداى نخواسته ندارى، تحصيل كن، و در تقويتش همّت گمار، كه هيچ موجودى جز او جلّ و علا سزاوار پيوند نيست. و پيوند با اولياى او اگر براى پيوند به او نباشد، حيله شيطانى است كه از هر طريق سدّ راه حق كند. هيچگاه به خود و عمل خود به چشم رضا منگر كه اولياى خُلّص چنين بودند و خود را لا شى‏ء مى‏ديدند؛ و گاهى حسنات خود را از سيّئات مى‏شمردند.پسرم، هر چه مقام معرفت بالا رود،احساس ناچيزى غيراو جلّ و علا بيشتر شود.(سرالصلوة ص 29)

 ملاک حقیقی همین است که انسان هرچقدر نزدیک تر می شود باید احساس فقر و نداری کند.باید احساس عقب افتادگی و بی چیزی کند.اگر این احساس در ما زیاد شود سرعت سیر و حرکت ما بیشتر می شود. اساسا اخلاق گفتنی نیست و اگر گفتنی باشد توسط امثال ما صورت می گیرد.

در طی این جلسات از راه ها ی استفاده و بهره برداری از نمازهایمان و اینکه چه کنیم که از ارتباط با خدا لذت ببریم ؟ صحبت می کنیم.

عزیزان؛جوانی شما در اختیار امثال ما قرار داده شده. ما نباید دست روی دست بگذاریم تا این فرصت از دست برود. از سوی دیگر اگر شما هم صد تا کتاب مساله فرا بگیرید، علوم مختلف مثل اصول و فلسفه و فقه و ... را تحصیل کنید،و به قول امام رحمة الله علیه به لفظ قناعت کنیم ، اما از حقیقت آنها چیزی دستگیرمان نشود ضرر کرده ایم.باید حرکتمان در این مسیر رو به جلو باشد. قرآن مجید فرمودند :و الذین جاهدوا فینا اما فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین(عنکبوت آیه 69)حضرت امام در همین نامه به آقا سید احمد دارند که « قلب جوان به ملکوت خیلی نزدیک است؛آلوده اش نکن.صدها پرده را یک جوان می تواند بشکافد و بالا برود.»

چرا نماز ما تأثیری بر ما نمی گذارد؟

عنوان بحث ما بررسی روایات عجیب در باب نماز است. امروز یک روایت به عنوان درس اول مطرح می کنیم. امام صادق علیه السلام می فرماید:« من صلّى الصّلوات المفروضات في اوّل وقتها و أقام حدودها، رفعها الملك الى السّماء بيضاء نقيّة، تقول: حفظك اللّه كما حفظتنى استودعتني ملكا كريما.و من صلاّها بعد وقتها من غير علّة و لم يقم حدودها، رفعها الملك سوداء مظلمة، و هي تهتف به: ضيّعتني ضيّعك اللّه كما ضيّعتني و لا رعاك اللّه كما لم ترعني.»فرشته این نماز نورانی را بالا می برد و برای آن مصلی دعا می کند.اما اگر حدود این نماز را رعایت نکند،فرشته این نماز را به صورت تاریک بالا می برد و مصلی آن را نفرین می کند.حال ما امام جماعت مسجدی باشیم،اما آن نماز ما را نفرین کند و بنابر فرمایش آیت الله جوادی : هر جا می رویم به جای اینکه مردم را نورانی کنیم،به جهت برخورد مردم با ما و نمازهای ما و عبادات ما،آلودگی مردم بیشتر می شود. حال چه باید کرد تا نمازهایمان ما را نفرین نکنند؟ چه کنیم که این نمازها سبب معارج و باعث پاکی و طهارت ماشود؟

حضرت امام می فرماید: «برادر عزیز خدای متعال، آن صادق مصدق فرموده که ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر نماز شما را باید از منکر باز بدارد.اآن وقت نمی دانم چرا ما نماز می خوانیم و گناه در زندگیمان بیشتر می شود؟ بعد امام جواب می دهند: به خاطر اینکه نماز نخواندی،بلکه ادا در آوردی ، تو اگر نماز می خواندی که ان الصلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر».

بنابراین باید مقدمات وموخراتش را درست کنیم.روایت دیگری هست که از حضرت امام از امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان فرمود : « لیس من عبد مومن یقبل بقلبه علی الله فی صلاته و دعائه الا اقبل الله علیه بقلوب المومنین و ایده مع مودتهم ایاه بالجنة»هیچ بنده ای نیست که با قلبش وارد نماز بشود یعنی واقعا وقتی می خواهد نماز بخواند،با قلبش نماز بخواند.در این صورت خدای متعال هم به او اقبال می کند.حضرت امام می فرمایند که«این اقبال قلب غیر از توجه عقلی است.»اشتباه ما این است که وقتی به ما دستور خواندن نماز با حضور قلب می دهند، فکر می کنیم از ما خواسته اند با حضورعقل و حضور ذهن نماز بخوانیم و حضور ذهن را با حضور قلب اشتباه می گیریم.امام راحل می فرمایند که اگر کسی با قلبش نمازبخواند،اولین تاثیری که این نماز با حضورقلب دارد روی جوارح و اعضای ظاهری او می باشد.یعنی چشم و گوش و دست و پای او از آن نماز بهره مند می شود. ایشان روایت بسیار زیبای«المومن وحده جماعة»را اینگونه تفسیر می کنند که نماز معجونیست که خدا برای ما درست کرده که تمام جوارح ما از این نماز باید بهره مند بشوند.اگر خوب نماز بخوانیم با قلبمان نماز بخوانیم،محال است بعد از این نماز چشم و دست و پای انسان گناه کند.چه باید کرد که از آن بندگانی باشیم که یقبل بقلبه،با قلبش به سوی خدا اقبال کند.در این صورت حقیقت وجودش متصل به ذات مقدس پروردگار می شود و همه ی مشکلاتش در این معراج روحانی حل می شود.

اهل عمل باشیم

لازم است در این جلسات آنچه گفته می شود را به مرحله عمل برسانیم.بعد از جلسه احساس بکنیم طهارتی و نورانیتی بر ظاهر و باطن طلاب حاکم شده است.فراموش نمی کنم اول طلبگی در مدرسه امام درس می خواندیم.من یکی از برنامه هایی که خیلی از آن استفاده می کردم،وضو گرفتن یکی از اساتید خوب حوزه بود.ایشان وقتی می خواستند وضو بگیرند،حالات معروف امام مجتبی ع در مورد ایشان محقق می شد.بدنشان می لرزید و گریه می کرد.عبادت حساب و کتاب دارد.اگر با قلب وارد نماز شوید و توانستید راه پیدا بکنید،خدا هم نگاهی می کند.در این صورت قلب امام می شود و اعضاء بدن همه ماموم.و ان الصلاة تنهی عن الفحشا و المنکر محقق خواهد شد.لازم است انسان از این نردبان بزرگ الهی یعنی نماز هر روز بتواند مقداری بالا برود.در روایتی هست:اگر کسی یک رکعت نماز مقبول در طول عمر داشته باشد،جهنمی نمی شود.اگر ما در حوزه علمیه و درکنار سفره امام زمان علیه السلام نتوانیم نماز واقعی بخوانیم،دیگر کجا می توانیم این چنین نمازهایی بخوانیم.خدایا تو را به عظمت امام عصر ، تو را به عظمت امام بزرگوار، تو را به عظمت رهبر بزرگوارمان ما را توفیق درک حقائق دینی ، قرآنی و اسلامی عنایت بفرما.

روضه

مرحوم امام درباره ی ارزش نماز از زبان امام حسین ع روایتی نقل می کند که وقتی ابو سمامه ی ساعدی روز عاشورا خدمت ابا عبدالله رسید و عرض کرد که یا ابن رسول الله وقت نماز است.امام فرمودند: ذکرت الصلاة جعلک الله من المصلین.ابو سمامه نماز را یاد کردی.خدا تو را از نمازگزاران قرار بدهد.امام راحل می فرمایند:مقام نمازگزار چه مقام بلندی است که ممکن است که کسی که قرار است دررکاب امام حسین علیه السلام به مقام شهادت نائل شود هنوز به مقام نمازگزار دست نیافته باشد.ما چقدر از این معجون عجیب الهی که از آن غافلیم استفاده برده ایم.امام حسین ع فرمودند:برای نماز خواندن اجازه بگیرید.سعید بن عبدالله حنفی جلوی ایشان ایستاد.هر تیری که به سمت امام پرتاب می شد،خود را سپر آنها می کرد.نمازکه تمام شد ابا عبدالله دویدند و دستهای مبارک را زیر بدن سعید گرفتند و فرمودند:اللهم العنهم لعن قوم عاد و ثمود.سپس سعید به امام عرض کرد:یا ابن رسول الله : أ وفّیت بعهدی ؟ اقا من نتوانستم در رکاب شما بجنگم و جانم را تقدیم بکنم،آیا به عهدم وفا کردم ؟ نوشته اند ابا عبدالله جمله ی عجیبی فرمودند:نعم سعید انت اَمامی فی الجنه.سعید همانطور که اینجا جلوی من ایستادی و من نماز خواندم،روز قیامت هم جلوی من و اَمام من در بهشت حرکت خواهی کرد.

خدایا به عظمت ابا عبدالله و به نورانیت قلب نازنین سید الشهداء،حال توبه و انابه و طاعت و بندگی و اجتناب از معصیت به همه ی ما عنایت بفرما.

پروردگارا توفیق شناخت حقائق قرآنی و اسلامی به همه ی ما عنایت بفرما.

پروردگارا ما را در مسیر عمل به وظائف الهی و تحصیل تقوا ثابت قدم بدار و قلب مقدس امام زمان از ما راضی و خشنود بگردان و در دنیا و آخرت بین ما و اهل بیت عصمت و طهارت لحظه ای فاصله مینداز

شادی روح همه اموان و روح امام بزرگوار و سلامتی رهبر معظم انقلاب صلوات.

تمام